



Shiraz University
RiCeST
ISC

ISSN: 2008-7926

Journal of

Legal Studies

Scientific

Vol. 18, Issue 2, Summer 2026

JLS

Journal of Legal Studies

Journal Homepage: <https://jls.shirazu.ac.ir/>
doi: <https://10.22099/jls.2025.52712.5308>



Research Article

Possibility of identifying the insurer as a friend of the court

Hamid Afkar*

Assistant Prof. of Department of Law, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Article history:

Received: 13-04-2025

Accepted: 31-08-2025

Abstract

Introduction

The growing complexity of social, economic, and industrial relations in recent decades has presented judicial systems with multiple challenges in finding the truth and issuing a fair decision. One of the most important mechanisms in this regard is the institution of the Friend of the Court or Amicus Curiae, which originated in Roman law and later developed in common law and other legal systems. This institution enables courts to adopt more comprehensive and reality-based decisions by benefiting from the expert or social perspectives of third parties. In Iran, although the institution has not been explicitly provided for in legislation, certain provisions—particularly Article 50 of the Compulsory Insurance Act of 2016—indicate its implicit acceptance. Since the insurance industry plays a crucial role in managing damages and preventing frivolous claims, the key question arises: can insurers, in certain circumstances, be regarded as a Friend of the Court? The present study aims to examine this possibility and evaluate the conditions under which insurers may perform such a role.

Please cite this article as:

Afkar, H (2026). Possibility of identifying the insurer as a friend of the court. *Journal of Legal Studies*, 18(2), 153-186. doi: <https://10.22099/jls.2025.52712.5308>.

* Corresponding author:

E-mail address: Hamidafkar@iau.ac.ir

Methods

This study adopts a descriptive–analytical approach, relying mainly on library sources, national legislation, and both domestic and comparative legal practices. First, the concept and historical development of the *Amicus Curiae* in Roman law, common law, and international law are analyzed, and its features in both traditional and modern senses are clarified. Subsequently, the role of insurers in Iranian litigation is examined, with a particular focus on Article 50 of the Compulsory Insurance Act of 2016, to assess the degree of compatibility between their supervisory function and the characteristics of the *Amicus Curiae*.

Findings

The findings reveal that insurers may occupy two distinct positions in litigation. First, as formal parties to the dispute, they have direct interests and the capacity for substantive defense, thereby losing the neutrality necessary for the role of a Friend of the Court. Second, as litigation observers and controllers of the proceedings, as permitted by Article 50 of the Compulsory Insurance Act, they can monitor the process, access case documents, and present technical opinions to the court without officially becoming parties to the dispute. This level of intervention, although driven by financial motives, has positive effects in terms of truth discovery, preventing frivolous claims, reducing insurance fraud, and improving the quality of judicial decisions.

Comparative study demonstrates that in various legal systems, the concept of Friend of the Court has evolved from a purely advisory role into a broader institution, whereby even stakeholders may assist the court in the pursuit of justice. Within this framework, there are significant similarities between the supervisory role of insurers in Iranian litigation and the modern conception of the *Amicus Curiae*. Among the most notable similarities are assisting in the discovery of truth, reducing the judicial caseload, and indirectly influencing the outcome of cases. Nonetheless, challenges remain, including the insurer's economic interests, the risk of shifting from observer to formal party, and the statutory limitations that restrict their role mainly to traffic accident cases.

Conclusion

The study demonstrates that insurers cannot be equated with the traditional Friend of the Court, since the inherent neutrality of the institution conflicts with insurers' private interests. However, in the broader and modern sense, insurers may be regarded as Friends of the Court, provided that their role remains limited to supervision and expert consultation and does not extend to formal participation in disputes. Such a role can promote judicial fairness,

prevent contradictory judgments, and reduce unfounded claims. Accordingly, reforms in legislation and judicial practice are necessary to define the exact scope of insurers' authority and to formalize their supervisory role, thereby enabling the insurance industry to contribute effectively to Iranian litigation.

Overall, attention to this potential not only enhances consistency with international experiences but also strengthens public trust in the judiciary and improves its efficiency in dispute resolution.

Keywords: Friend of the Court, Insurer, Litigation Observer, Parties to a Dispute, Amicus Curiae.



مقاله پژوهشی

قابلیت شناسایی بیمه‌گر به‌عنوان دوست دادگاه در دادرسی

حمید افکار*

استادیار گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۴

اطلاعات مقاله

چکیده

نهاد «دوست دادگاه» یا «آمیکوس کوریا» به‌عنوان یکی از ابزارهای کمکی نظام‌های حقوقی، با هدف یاری رساندن به دادگاه در کشف حقیقت و کاهش پیچیدگی دعاوی، جایگاه ویژه‌ای دارد. با توجه به عدم پیش‌بینی صریح این نهاد در قوانین ایران، این موضوع کمتر در پژوهش‌های داخلی مورد توجه قرار گرفته و بیشتر به بررسی تطبیقی نقش این نهاد در نظام‌های حقوقی دیگر پرداخته شده است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی نقش بیمه‌گر به‌عنوان «دوست دادگاه» در دادرسی‌های حقوقی می‌پردازد و قابلیت تطبیق نقش بیمه‌گر با مفهوم «دوست دادگاه» در نظام حقوقی ایران را مشخص می‌کند. یافته‌های تحقیق حکایت از نقش متفاوت بیمه‌گر در دادرسی دارد. حضور بیمه‌گر به‌عنوان اصحاب رسمی دعوا، صفت دوستی با دادگاه را از وی سلب می‌کند؛ اما نقش بیمه‌گر به‌عنوان ناظر دعوا و کنترل‌کننده دادرسی، در برخی جنبه‌ها با ویژگی‌های «دوست دادگاه» قابل تطبیق است. با این حال، حضور بیمه‌گر با انگیزه منافع شخصی و اقتصادی، فاصله‌ای با مفهوم بی‌طرفی «دوست دادگاه» ایجاد می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که هرچند نقش بیمه‌گر از حیث نظارت بر دادرسی

استناد به این مقاله:

افکار، حمید (۱۴۰۵). قابلیت شناسایی بیمه‌گر به‌عنوان دوست دادگاه در دادرسی. *مجله مطالعات حقوقی*. ۱۸. (۲). ۱۵۶-۱۲۳.

و جلوگیری از دعاوی واهی، شباهت‌هایی با آمیکوس کوریا دارد، اما انگیزه‌های انتفاعی وی و امکان ورود مستقیم به دعوا، این تطابق را در مفهوم سنتی «دوست دادگاه» با چالش مواجه می‌سازد. با این وجود، در صورت پذیرش مفهوم موسع‌تر از آمیکوس کوریا که در آن نهادهای ذی‌نفع نیز می‌توانند به عدالت قضایی کمک کنند، بیمه‌گر می‌تواند به‌عنوان دوست نوین دادگاه تلقی شود. تحلیل‌های این پژوهش، می‌تواند مبنای بازنگری در قوانین و رویه‌های قضایی ایران قرار گیرد تا ضمن حفظ بی‌طرفی و شفافیت دادرسی، از ظرفیت بیمه‌گر به‌عنوان یاور دادگاه در کنترل دعاوی به نحو مطلوب‌تری بهره‌برداری شود.

واژگان کلیدی: دوست دادگاه، بیمه‌گر، ناظر دعوا، اصحاب دعوا، آمیکوس کوریا.

سرآغاز

پیچیدگی و توسعه حوزه‌های اجتماعی و صنعتی، زمینه‌ساز تحقق بسیاری از حوادث عمدی و غیرعمدی شده است. در این شرایط، تشخیص ماهیت اصلی هر دعوا و یافتن حکم مناسب توسط دادگاه به مراتب دشوارتر از گذشته به نظر می‌رسد. مسیر قضاوت همراه در پرتوی تحولات اجتماعی و تکامل صنعتی، دستاویز چالش‌های فراوان شده است که قضاوت فردی بدون مشاوره و هدایت اشخاص ثالث را به دغدغه‌ای جدی در مسیر عدالت‌گستری تبدیل کرده است؛ به همین جهت، نظام‌های حقوقی با تجویز موردی و خاص، امکان حضور و اظهارنظر برخی افراد در ضمن دادرسی را فراهم آورده و تعامل دادگاه با اشخاصی غیر از اصحاب دعوا، برای دستیابی به حقیقت فراهم شده است. یکی از نهادهایی که با حضور مادی یا معنوی خود به کشف حقیقت و یاری رساندن به قاضی کمک می‌کند، نهاد «دوست دادگاه» است. این نهاد که در حقوق رومی بنیان گذاشته شده و در نظام کامن‌لا تکامل یافته است، با هدف کشف حقیقت و ارتقای تصمیم‌گیری عادلانه در دادگاه‌ها ایجاد شده است. اگرچه گاهی اوقات محاکم ورود این نهاد ممکن است دادگاه‌ها را با حجم زیادی از اطلاعات غیرضروری مواجه کند و به اتلاف منابع قضایی منجر شود، لیکن تحلیل‌های حقوقی، اجتماعی و اقتصادی همچنان بر ضرورت وجود و استمرار حضور این نهاد در نظام‌های دادرسی تأکید دارند؛ به نحوی که پس از نظام‌های کامن‌لایی، حقوق بین‌الملل و حقوق کشورهای اروپایی و آمریکای لاتین نیز به سرعت آن را پذیرفته و در تکامل آن ایفای نقش داشته‌اند. در نظام حقوقی ایران، مفهوم «دوست دادگاه» به صورت صریح تبیین یا جایگذاری نشده است. با این حال، ضرورت وجود این نهاد در برخی زمینه‌های اجتماعی، قانون‌گذار را به سمت پذیرش آن در برخی حوزه‌ها سوق داده است. همچنین برخی حقوق‌دانان تلاش کرده‌اند مصادیقی از این نهاد را در مقررات موجود شناسایی و تحلیل کنند.

یکی از حوزه‌های عمومی که نیازمند حمایت اجتماعی است، حقوق بیمه است. ماهیت این حوزه در گذر زمان متناسب با تحولات اجتماعی دگرگون شده و احکام مترتب بر آن دستاویز خواسته‌های حاکمیتی برای پاسخ‌دهی به نیازهای عمومی شده است (افکار و معبودی، ۱۴۰۲: ۱۷۳). گسترش مسئولیت‌های جمعی در نظام‌های حقوقی، اهمیت پایه‌ریزی و توسعه صنعت بیمه را بیش از پیش نمایان ساخته است. یکی از چالش‌های اصلی در این زمینه، عدم کشف حقیقت و تحمیل خسارات غیرواقعی به زیان‌دیده یا بیمه‌گر است؛ به همین دلیل، مقنن در ماده ۵۰ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ این امکان را فراهم آورده تا علاوه بر اصحاب دعوا، نماینده بیمه‌گر نیز در دادرسی به ایفای نقش پرداخته و تصور خلق مصداقی جدید از مفهوم «دوست دادگاه» در دادرسی شکل گیرد. در این پژوهش با بررسی اختیارات بیمه‌گر در دادرسی، قابلیت انطباق این نهاد به‌عنوان «دوست دادگاه» ارزیابی می‌شود. در این راستا ضرورت دارد تا با شناسایی تحول مفهوم «دوست دادگاه» در گذر زمان و بررسی نقش وی در دادرسی، حضور بیمه‌گر به‌عنوان «دوست دادگاه» در نظام حقوقی ایران امکان‌سنجی شود.

از منظر پیشینه پژوهشی، باید اشاره کرد که مفهوم «دوست دادگاه» به‌طور صریح در نظام حقوقی ایران پیش‌بینی نشده است. به همین دلیل، این موضوع در کتب حقوقی کمتر مورد توجه قرار گرفته و تنها در یک مقاله، مفهوم و کارکرد این نهاد بررسی شده است.^۱ با این حال، بررسی امکان تطبیق اوصاف نماینده بیمه‌گر به‌عنوان «دوست دادگاه» بر مبنای تحولات اجتماعی و حقوقی و با استناد به قوانین جدید، مقوله‌ای است که در حقوق ایران همچنان به صورت کامل مورد بحث قرار نگرفته است. در این پژوهش، تلاش شده است تا با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، مفهوم و ویژگی‌های نهاد «دوست دادگاه» شفاف‌سازی شود و قابلیت انطباق آن با نماینده

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک. (ابهری و فلاح خاریکی، ۱۳۹۷).

بیمه‌گر، مورد ارزیابی قرار گیرد. پیش‌بینی می‌شود نتایج مثبت این بررسی، بتواند نگرش موجود به مداخله بیمه‌گر در دادرسی را تغییر داده و کارایی این نهاد را ارتقا دهد. برای این منظور، ابتدا مفهوم این نهاد و اختیارات آن در دادرسی بررسی شده است. سپس، با تحلیل ویژگی‌های رفتاری بیمه‌گر در دادرسی و بررسی قابلیت‌های قانونی و حقوقی وی برای مداخله، امکان‌سنجی پذیرش نماینده بیمه‌گر به‌عنوان «دوست دادگاه» همراه با دلایل احتمالی رد آن، مورد بحث قرار گرفته است.

۱. مفهوم و نقش «دوست دادگاه» در دادرسی

در این بخش، ابتدا مفهوم «دوست دادگاه» بر اساس تغییر کارکرد آن در نظام‌های حقوقی شناسایی و سپس، نقش آن در دادرسی ارزیابی می‌شود.

۱-۱. مفهوم «دوست دادگاه»

«دوست دادگاه» یا «امیکوس کوریا»^۱، نهادی است که ریشه در حقوق روم دارد؛ اما در نظام‌های حقوقی کاملاً توسعه یافته است. این نهاد، در نتیجه تلاش‌های مؤسسه بین‌المللی یکسان‌سازی حقوق خصوصی و مؤسسه حقوق آمریکا، توانسته جایگاه محسوسی در اصول دادرسی فراملی نیز به دست آورد.^۲ به‌کارگیری این نهاد، برگرفته از اندیشه مشارکت دوستانه در فرایند دادرسی به‌منظور بالا بردن امکان موفقیت حل

1. Amicus Curiae.

۲. اصل ۱۳ آیین دادرسی فراملی: «در صورتی که اشخاص ثالث داوطلبانه درباره مسائل قانونی مهم پرونده و اطلاعات راجع به سوابق امر، نظریه حقوقی خود را کتباً به دادگاه ارائه بدهند، دادگاه می‌تواند به صلاحدید خود پس از مشورت با اصحاب دعوا، این نظریه را بپذیرد. دادگاه خود نیز می‌تواند نظریه حقوقی این اشخاص را استعمال کند. دادگاه قبل از اینکه اظهارنظر یاور دادگاه را بررسی کند، باید برای طرفین دعوا این فرصت را فراهم کند که نقطه نظرات مكتوب خود را در خصوص مسائل مطرح در نظریه حقوقی وی ارائه کنند.»

دعوی قضایی بود (Collins, 2004: 807) تا امکان کشف بهتر حقیقت در مسیر تحقق عدالت هموارتر شود.

تعریف واحدی از «دوست دادگاه» در نظام‌های حقوقی مختلف ارائه نشده است و در فرهنگ‌های حقوقی نیز با معانی متعددی ظاهر شده است. برخی نویسندگان، «دوست دادگاه» را افراد یا گروه‌هایی می‌دانند که با وجود عدم دخالت مستقیم در دعوا، مجاز به ارائه نظرات خود به دادگاه در مورد مسائل مربوط به پرونده به صورت خلاصه‌ای کتبی یا شفاهی هستند (Beyer and Redden, 2001: 41). این نظرات، به‌عنوان آمیکوس بریف^۱ شناخته می‌شوند. برخی دیگر، «دوست دادگاه» را کسی می‌دانند که با وجود عدم دخالت مستقیم در دعوا، معمولاً طرفدار یکی از طرفین است که مجاز به ارائه استدلال به دادگاه دانسته می‌شود (Mellinkoff, 1992: 27). همچنین، برخی دخالت «دوست دادگاه» را نوعی تسلیم داوطلبانه کتبی یا شفاهی تلقی می‌کنند که توسط دادگاه از طرف شخص یا نهادی که طرف دعوا، وکیل طرفین یا شاهد یک روند قضایی در حال انجام نیست، پذیرفته می‌شود. در این شیوه، دادگاه یا یکی از طرفین برای تنظیم اظهارنامه به «دوست دادگاه» پولی پرداخت نمی‌کند و همچنین این دوست، افسر یا مأمور دادگاه محسوب نمی‌شود (Clark, 2016: 346).

در عرصه بین‌المللی نیز آمیکوس کوریا به رسمیت شناخته شده و اصولاً به شخص یا نهادی اطلاق می‌شود که دادگاه می‌تواند به صلاحدید خود اجازه شرکت در دادرسی‌های حقوقی را با صلاحیت کمتر از یکی از اصحاب دعوا بدهد (Bartholomeusz, 2005: 217). برخی از حقوقدانان ایرانی نیز معتقدند که «دوست دادگاه»، فرد یا سازمان یا گروهی از افراد و یا نهادهایی هستند که بدون نفع مستقیم در دعوا، با استفاده از دانش خویش، نظر مشورتی و پیشنهادی درباره مسائل حکمی یا موضوعی دعوا برای آگاهی و اطلاع قاضی به صورت کتبی یا شفاهی به دادگاه ارائه

1. Amicus Brief.

می‌کنند، بدون اینکه یکی از طرفین دعوا یا وارد ثالث محسوب شوند؛ خواه دادگاه آن‌ها را برای ارائه نظر دعوت کرده باشد یا داوطلبانه اقدام به این کار کرده باشند (ابهری و فلاح خاریکی، ۱۳۹۷: ۲۸۹).

تعاریف متعدد ارائه شده از «دوست دادگاه»، شناسایی ماهیت اصلی این نهاد را با ابهام مواجه کرده است. عدم امکان استخراج معنای واحد از این تعاریف که البته منحصر به موارد گفته شده نیز نیستند، ناشی از سابقه تاریخی و تغییر نقش «دوست دادگاه» در گذر زمان است. به همین جهت، برخی مفهوم «دوست دادگاه» را در معنای سنتی و نوین مورد توجه قرار داده‌اند (ابهری و فلاح خاریکی، ۱۳۹۷: ۲۹۰). مفهوم سنتی یا کلاسیک «دوست دادگاه» درواقع همان معنای مضیق و اولیه‌ای است که در حقوق روم کاربرد داشت و در آن، قاضی دادگاه برای دعاوی مدنی پیچیده به توصیه یک حقوقدان برای تفسیر قواعد تکیه می‌کرد و توصیه‌ها به صورت مکتوب در اختیار وی قرار می‌گرفت و البته آمیکوس کوریا دیگر حق اعتراض به تصمیم قاضی را نداشت (Merryman et al, 2010: 219 - 228)؛ اما با پیدایش ایده‌های جامعه‌شناختی و حمایتی در دادرسی، مفهوم آمیکوس‌ها متحول شده و دامنه اشخاص مشمول این نهاد افزایش یافت. هدف برتر کشف حقیقت و رعایت عدالت و انصاف در دادرسی ایجاب می‌کرد تا دوستان دادگاه نقشی فراتر از یک متخصص حقوقی داشته باشند و در معنای جدید، آمیکوس‌ها به دنبال این موضوع نیز هستند تا توضیح دهند که چه چیزی در پرونده، در معرض خطر است و توجه به مورد مناقشه چه تأثیری در نتیجه خواهد داشت (Hirczy de Mino, 2020: 9). همچنین، آمیکوس‌های نوین ممکن است زمانی مداخله خود در دادرسی را آغاز کرده که نفع مادی یا معنوی خود را در خطر ببینند و در نتایج و پیامدهای دعوا سهیم باشند؛ بنابراین، مفهوم جدید «دوست دادگاه» اوصاف سنتی را دگرگون ساخته و قلمروی آن را گسترش داده است. نکته مشترک قابل استنباط از تمام تعارف صورت گرفته این است که دوستان دادگاه به‌طور قانونی اشخاص ثالثی هستند که تا زمان مداخله به‌عنوان دوست، وضعیت رسمی در دادرسی

ندارند و نوعی «بازیگران ثانویه» را تشکیل می‌دهند (Farber, 2019: 61). در حال حاضر نظام‌های حقوقی در سراسر جهان، عمل آمیکوس‌ها را پذیرفته و به کمال رسانده‌اند. درج این نهاد در اصل ۱۳ اصول آیین دادرسی فراملی، به‌عنوان یک مجموعه ارشادی بین‌المللی نیز اهمیت و محوریت نقش آمیکوس در جریان دادرسی و تأثیر آن بر جامعه و کار دادگاه‌ها را دوچندان می‌کند.

۱-۲. نقش «دوست دادگاه» در دادرسی

تفاوت رویکرد نظام‌های حقوقی نسبت به نهاد «دوست دادگاه»، با گذشت زمان و به دلیل ضرورت شفافیت دادرسی و حفظ منافع عمومی، موجب تحول نقش آن در دادرسی شده است. در مفهوم نخستین و سنتی، «دوست دادگاه» حقوقدانی بود که از جانب دادگاه برای مشاوره و کمک به قاضی، در دعوایی خاص منصوب می‌شد (ابهری و فلاح خاریکی، ۱۳۹۷: ۲۹۱) و مداخله او محدود به خواست دادگاه بود. هر نوع مشارکت مغایر با بی‌طرفی یا اقدام سودجویانه، مداخله ثالث به‌عنوان «دوست دادگاه» را مخدوش می‌کرد. حضور این اشخاص در حقوق روم، با هدف اطمینان بیشتر و کمک در تفسیر مقررات حقوقی برای حل اختلاف بود (Clark, 2016: 330) و تأثیر چشمگیری در آرامش روانی دادگاه حین رسیدگی و صدور رأی داشت. به‌مرور زمان و با گسترش مسئولیت‌های اجتماعی و حقوقی، صرف مشورت حکمی با اندیشمندان، پاسخگوی نیاز قاضی و شفاف‌کننده جریان دادرسی نبود؛ به همین جهت و متعاقب ورود این نهاد به کامن‌لا، تغییر کارکرد این نهاد آشکار گشت و از معنای رومی اولیه خود که دانشمندی محترم، مستقل و منصوب دادگاه بود به حامی منافع تغییر نقش داد (Mohan, 2010: 23). اگرچه ثالث بودن آمیکوس مشخص است، لیکن میزان مداخله این نهاد در دادرسی، ذی‌نفعی آن و مجانی بودن عمل وی با تحول مفهوم کلاسیک «دوست دادگاه» به مفهوم جدید آن، تغییر قابل‌توجهی داشته است. به همین جهت، در

این بخش برای شناسایی نقش آمیکوس‌ها در دادرسی، دامنه اختیار و ویژگی آن‌ها در مفهوم کلاسیک و نوین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۱. اختیار و نقش دوست کلاسیک دادگاه در دادرسی

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، آمیکوس کوریای کلاسیک با اهداف اجتماعی و صرفاً به‌عنوان دوست قاضی در اذهان شناخته می‌شد. بر اساس این دیدگاه، برخی حقوق‌دانان برای وی خصایصی قائل بودند. داشتن اطلاعات و دانش حقوقی، رایگان بودن فعالیت، لزوم درخواست اولیه دادگاه جهت اظهارنظر و عدم طرفیت در دعوا یا حضور افتخاری ازجمله ویژگی‌هایی است که تعریف‌کننده آمیکوس سنتی بود (Lowman, 1992: 674; Mirsane, 2020: 1248). درواقع، آمیکوس کوریای سنتی شخص ثالثی بود که با نظر دادگاه مجاز به دخالت می‌شد و باید نظریه خود را در کمال بی‌طرفی ارائه می‌داد. البته گاهی اوقات نیز ممکن بود به دادرسی دعوت شود (Larsen & Devins, 2016: 1909). آمیکوس‌های اولیه، با خواست دادگاه گزارش‌های کتبی خود را ارائه می‌دادند، لیکن کتبی بودن گزارش سازنده ماهیت اصلی آمیکوس بریف‌ها نبود و ارائه شفاهی به دادگاه نیز قابل ترتیب اثر بود. از سوی دیگر، این نهاد سنتی با درخواست دادگاه یا بر اساس تعیین این مرجع، امکان ارائه نظریه مشورتی داشت و تا زمان عدم تجویز دادگاه، امکان ورود داوطلبانه و رأسی آن منتفی بود، مگر مواردی که نفع عمومی اقتضا داشت تا «دوست دادگاه» رأساً نظریه مشورتی خود را به دادگاه ارائه دهد؛ بنابراین، توسل به کمک «دوست دادگاه» زمانی محقق می‌شد که دادگاه به این عقیده برسد که نیاز به کمک دوستی آگاه و بی‌طرف، علاوه بر آنچه طرفین می‌توانند به دادگاه تقدیم کنند، داشته باشد.

آمیکوس‌های اولیه، نقش گسترده‌ای در دعوا نداشتند و مداخله بیش‌ازحد آنان ممکن بود اصل ممنوعیت دخالت شخص ثالث در دادرسی را نقض کند؛ به همین جهت، دادگاه‌ها تا مدت‌ها امکان تشخیص میزان مداخله آمیکوس‌ها را نداشتند و از

ارائه یک تعریف قاطع برای آمیکوس خودداری می‌کردند (Lowman, 1992: 1247). اعتقاد بر این بود که دوستان دادگاه آزادند با موافقت قاضی نظرگاه‌های حقوقی و عملی خود را در ارتباط با موضوع اعلام کنند، ولی نباید منفعت مستقیم و شخصی برای مداخله داشته باشند (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۵۷). همین خصیصه، علت اصلی تمایز «دوست دادگاه» از طرف دعوا را رقم می‌زد. همچنین، چون دوستان دادگاه به‌طور فعال، درگیر پرونده نیستند و از طرف دیگر هیچ منفعتی در قضیه مورد رسیدگی ندارند یا منفعت این نهاد به‌قدری حساس نیست که توجه‌کننده حضور وی در روند رسیدگی به‌عنوان طرف دعوا باشد، بنابراین این نهاد حق ثبت درخواست، مشاهده مدارک و ادله ارائه شده از طرفین دعوا و اقداماتی از این قبیل را ندارد (رمضانی قوام‌آبادی و حاجی ملا، ۱۳۹۷: ۹۲۱؛ بهری خیای و پاک‌نژاد، ۱۳۹۹: ۱۱۹) و برخلاف مداخله‌گر در دعوا، نمی‌تواند شواهدی در دادرسی ارائه کرده، اعتراض کرده و از حقوقی که یک طرف دارا می‌شود، بهره‌مند شود (Mirsane, 2020: 674). این رویکرد، نشان‌دهنده نقش محدود دوست سنتی دادگاه در جریان دادرسی و بیشتر مشاوره دهنده وی است. درواقع، «دوست دادگاه» در مسیر دستیابی به عدالت، ارشاد‌کننده قاضی است و مداخله وی در دادرسی، در پوشش اختیارات دادرس ظهور می‌یابد. همچنین منفعت‌طلبی این نهاد در جریان دادرسی، تا حد زیادی با محدودیت همراه است و ظهور هر چه بیشتر نفع در شخص ثالث، باعث تشدید اندیشه سختگیری در پذیرش وی به‌عنوان «دوست دادگاه» خواهد بود.

۱-۲-۲. اختیار و نقش دوست نوین دادگاه در دادرسی

مزایای حضور آمیکوس کوریا در فرآیند دادرسی، اندیشه گسترش این نهاد و بهره‌گیری از تخصص آن را در حقوق تقویت کرده است. پس از معرفی آمیکوس کوریا در حقوق روم، این مفهوم به نظام‌های کامن‌لا وارد شد و سپس در حقوق بین‌الملل و کشورهای اروپایی و آمریکای لاتین نیز پذیرفته و توسعه یافت (Farber, 2019: 13 & 16). در

حال حاضر اگرچه میزان استقبال از این نهاد در کشورهای آسیایی متفاوت است، لیکن بسیاری از کشورها نظیر هند، ژاپن، پاکستان، مالزی و بنگلادش به‌عنوان یک ابزار مؤثر برای تقویت شفافیت و عدالت آن را به رسمیت شناخته‌اند یا استفاده از کارکرد آمیکوس‌ها را به‌طور قابل‌توجهی افزایش داده‌اند^۱ (Indian Bar Association, 2023; Farber, 2019: 5). درواقع، ایدئولوژی حمایت از منافع اجتماعی و جستجوی حقیقت در دادرسی باعث شد تا آمیکوس‌ها، در کشورهای مبتنی بر نظام کامن‌لا کاربرد گسترده‌تری یابند و از مبانی کلاسیک خود در حقوق روم فاصله گیرند؛ تا جایی که برخی (Farber, 2019: 7) توسعه اساسی مفهوم «دوست دادگاه» را حاصل ورود آن به کامن‌لا دانسته‌اند.

تحولات تاریخی نشان می‌دهد که حضور آمیکوس‌ها در جریان دادرسی، به مرور برجسته‌تر و مورد حمایت بیشتری در نظام‌های حقوقی قرار گرفته و تعداد اشخاصی که مشمول تعریف این نهاد می‌شوند، افزایش یافته است. برخی دادگاه‌های کامن‌لا، به‌تدریج به انعطاف‌پذیری مشارکت «دوست دادگاه» در دعوی گرایش پیدا کرده و نقش جدیدی برای آن ایجاد کرده‌اند که در گذشته وجود نداشت. این تغییر نقش، به قدری سریع و اساسی صورت گرفت که بسیاری از ویژگی‌های «دوست دادگاه» دستخوش تغییر شد؛ به نحوی که نقش پارتیزانی «دوست دادگاه» در دادرسی‌های جنایی بیشتر مشهود گشت و زمانی که یکی از طرفین برای دفاع در دادگاه نمایندگی وکیل نداشت، دادگاه به منظور حمایت از عادلانه بودن محاکمه، افرادی را به‌عنوان «دوست دادگاه» برای شرکت در دادرسی منصوب می‌کرد تا نقش وکیل را ایفا کنند و

^۱. به‌عنوان مثال، رویه قضایی ژاپن تا قبل از سال ۲۰۲۱، فقط به‌طور محدود و غیررسمی نظرات اشخاص ثالث را که رویه‌ای قاعده‌مند و شفاف نداشت، می‌پذیرفت؛ اما با تقاضای رسمی دادگاه‌های مالکیت فکری برای دریافت دیدگاه‌های فنی، صنعتی یا دانشگاهی خارج از پرونده، در اصلاحات سال ۲۰۲۱ قانون ثبت اختراعات ژاپن، رویه «کمیسون حمایت از دادگاه» برای پرونده‌های نقض حق ثبت اختراع و حقوق انحصاری دارندگان مجوز انحصاری را به رسمیت شناخت تا در مورد موضوع پرونده نظر بدهند (Miller et al, 2022).

در این مقام، حتی امکان دریافت دستمزد را نیز داشتند. تعیین چنین شخصی در دادرسی مستلزم وجود فاکتورهایی همچون پیچیدگی دادرسی، جدی بودن مجازات احتمالی، ضعیف و ناتوان بودن یکی از طرفین در درک جریان دادرسی و آشنایی وی با روند محاکمه بود (Mirsane, 2020: 676 & 677; Larsen and Devins, 2016: 1913). علاوه بر آن دخالت حمایتی در جهت منافع عمومی، مجرای دیگری برای مداخله آمیکوس کوریا شد؛ تا حدی که این حامیان منافع عمومی ممکن است تا ارائه مدارک به دادگاه پیش روند (Mirsane, 2020: 677)؛ بنابراین نقش آمیکوس از دوستی صرف به طرفداری در جهت حمایت از منافع اجتماعی و در برخی موارد، منافع شخصی تغییر یافت.

نقش و اختیارات «دوست دادگاه» در دادرسی‌های معاصر، به‌ویژه در دادگاه‌های عالی ایالات متحده آمریکا به‌طور قابل توجهی توسعه یافته است؛ به‌طوری‌که در بین سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، دادگاه‌های عالی ایالات متحده در حدود ۵۴ درصد از تصمیمات خود به‌صراحت به انواع مختلفی از اطلاعات ارائه شده توسط آمیکوس اشاره یا استناد کرده‌اند (Farber, 2019: 45). این نهاد با ارائه اطلاعات و دیدگاه‌های اضافی به دادگاه، می‌تواند بر روند دادرسی تأثیر بگذارد و احتمال موفقیت دعاوی را افزایش دهد (Collins, 2004: 807)؛ به همین منظور، برخی تفسیر موسعی از مداخله این نهاد در دادرسی ارائه داده و آن را در مفهوم نوین به انواع مختلفی تقسیم کرده‌اند. درواقع، آمیکوس کوریا در این تفسیر، گاهی شامل گروه‌ها یا اشخاصی است که توسط دادگاه برای ارائه دیدگاه خود برای کمک به قاضی یا جلوگیری از اشتباه دعوت می‌شوند (دوست قاضی) و گاهی در دادگاه حاضر می‌شوند تا از یکی از طرفین دعوا حمایت کنند (دوست طرفین). همچنین مواردی وجود دارد که آمیکوس‌ها رسماً جزو اصحاب دعوا نیستند، اما در نتیجه دعوا سهمی دارند و به نوعی به اصحاب دعوا نزدیک می‌شوند (Clark, 2016: 361; Anderson, 2015: 374).

هرچند روی آوردن دادگاه به دوستی با گروه‌های ذینفع و با انگیزه خطر آلوده کردن تصمیمات قضایی با شواهد غیر قابل اعتماد را گسترش می‌دهد (Larsen, 2014: 1817)؛ اما پتانسیل‌های فراوان نهاد «دوست دادگاه» ایجاب می‌کند تا دادگاه برای دستیابی به تصمیمات قضایی کامل‌تر و مبتنی بر واقع، از انحصار ادله طرفین خارج شده و به منابع اطلاعاتی دیگری علاوه بر طرفین توجه کند (Farber, 2019: 47). این امر با مبنای کشف حقیقت در دادرسی انطباق بیشتری دارد. هرچند استفاده از کمک آمیکوس، همواره عاری بودن فرآیند تصمیم‌گیری قضایی از خطا را تضمین نمی‌کند، اما در بهبود وضعیت دادرسی مؤثر و کارآمد است. درواقع، دوستان نوین دادگاه روند دادرسی کلاسیک دو طرفه را به یک فرآیند چندجانبه و چندبعدی تبدیل کرده‌اند. در این مفهوم، دادگاه‌ها نه تنها مواضع و منافع طرف‌های رسمی دادرسی را می‌شنوند، بلکه به اشخاص ثالثی که به موضوع مورد بحث علاقه‌مند هستند و می‌خواهند بر روند تصمیم‌گیری دادگاه تأثیر بگذارند نیز توجه می‌کنند. گاهی حتی تعداد این اشخاص و نفوذ آن‌ها در دادرسی بیشتر از طرفین رسمی دعوا است (Farber, 2019: 28).

۲. قابلیت پذیرش بیمه‌گر به عنوان «دوست دادگاه»

عقد بیمه، ابزاری است برای یک زندگی مطمئن و اشخاصی که خود و اموالشان را بیمه می‌کنند، آرامش خاطر اجتماعی دارند (طالب احمدی و رحمانی، ۱۳۹۶: ۱۷۸). با این حال، افزایش دعاوی بیمه، نگرانی جدی بیمه‌گر و بیمه‌گذار را در پی دارد و از حس اطمینان آنان می‌کاهد؛ به همین جهت، مدیریت دعاوی بیمه نقش مهمی در کارایی اقتصادی شرکت‌های بیمه و کاهش تعداد پرونده‌های مطرح شده علیه آن‌ها دارد. شرکت‌های بیمه که در اکثر خسارت‌های غیرعمدی متولی اصلی پرداخت هستند، نقش بسزایی در اتخاذ تدابیر پیشگیرانه از طرح دعوا و کشف حيله و تقلب در حوادث دارند و باید با ایجاد فرآیندهای پایدار در ارزیابی حادثه، هرگونه انحراف در مدارک و مستندات را شناسایی و موارد مشکوک را پیگیری کنند (صالح نژاد و آرمان مهر، ۱۳۹۴:

(۱۲۲)؛ بنابراین، ضروری است که بیمه‌گر دعاوی بیمه‌ای را مدیریت کند و در اغلب موارد، تحقق این مهم مستلزم ایفای نقش بیمه‌گر در دادرسی و آگاه‌سازی دادگاه است. نحوه ورود بیمه‌گر به دعوا و میزان مداخله وی در همه پرونده‌ها یکسان نیست. مقنن بر اساس قواعد عمومی، این اجازه را به بیمه‌گر داده تا همانند هر شخص ثالثی، با رعایت قواعد و تشریفات دادرسی، رأساً و بدون خواست طرفین، به دعوایی وارد شود که نتیجه نهایی آن پرداخت توسط او است؛ لیکن، حسب ماده ۵۰ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ لزومی به دخالت رسمی بیمه‌گر به‌عنوان اصحاب دعوا در تمامی پرونده‌ها نیست و مداخله وی در قالب تأسیسی خاص و به‌عنوان یک ابتکار جدید برای بیمه‌گر در نظر گرفته شده است. تلقی بیمه‌گر به‌عنوان «دوست دادگاه» مستلزم شناخت نقش وی در دادرسی است که با توجه به قواعد دادرسی و مقررات بیمه، ضرورت دارد در هر یک از حالت‌ها تفکیک شود.

۲-۱. دخالت بیمه‌گر به‌عنوان اصحاب دعوا

اصل تسلیط اصحاب دعوا بر امور موضوعی به‌عنوان یکی از قواعد دادرسی، مبین این معنا است که طرح امور موضوعی دعوا در اختیار مطلق اصحاب دعوا است (افتخار جهرمی و دنکوب، ۱۳۹۱: ۱۲). از نتایج این اصل، حق انحصاری اصحاب دعوا برای تعیین موضوع اختلاف و مشخص شدن موضوع محاکمه بر اساس درخواست آن‌ها است و قاضی، ممنوع از تصمیم‌گیری بر مبنای امور خارج از مناقشه طرفین است. در دعاوی بیمه‌ای موضوع اصلی مناقشه طرفین، دستیابی به خسارتی است که بیمه‌گر، مسئول نهایی جبران آن است. در مفهوم کامل‌تر، دعوی جبران خسارت در نظام بیمه‌ای دارای دو معنا است؛ به معنای اخص، شامل هرگونه ادعایی است که به طرفیت بیمه‌گر و به منظور جبران خسارت مطرح می‌شود، لیکن در مفهوم عام، می‌توان آن را شامل هرگونه ادعایی دانست که موجب قابلیت استناد نتیجه این ادعا در برابر بیمه‌گر می‌شود. در این مفهوم، نتیجه دعوی اصلی جبران خسارت که بین زیان‌دیده و مسبب حادثه

آغاز می‌شود، به‌عنوان دعوای پایه در تعهدات بیمه‌گر مؤثر است و دعوای تبعی پرداخت یا باز یافت زیان از بیمه‌گر را شکل خواهد داد (افکار و خدابخشی، ۱۴۰۱: ۵۴۳). بر این اساس، ممکن است بیمه‌گر نسبت به دعوایی که بین زیان‌دیده و بیمه‌گذار مرتکب حادثه طرح شده، بیگانه باشد. عدم حضور بیمه‌گر در جریان دادرسی ممکن است او را در عمل انجام شده قرار دهد و نتیجه‌ای در دادرسی اولیه حاصل شود که بیمه‌گر ناگزیر به پذیرش آن باشد. به همین جهت، وی می‌تواند به‌عنوان شخص ثالث دعوای خود را به صورت دعوای ورود ثالث اصلی و تبعی طرح کند.

در این صورت، حدود و حقوق بیمه‌گر مشابه طرفین دعوای اصلی است. خواننده این دعوا، اصحاب دعوای حادثه اصلی هستند و ورود به دعوا تا قبل از ختم دادرسی امکان‌پذیر است؛ لیکن در مفهوم خاص، زیان‌دیده یا بیمه‌گذار علیه بیمه‌گر اقامه دعوا می‌کنند تا به جبران خسارت نائل آیند. در دعوایی که زیان‌دیده مستقیماً علیه بیمه‌گر طرح می‌کند، موقعیت بیمه‌گر در دادرسی در مقام خواننده است. در دعوای بیمه‌گذار علیه بیمه‌گر نیز که به صورت مستقل یا در قالب جلب ثالث طرح می‌شود، وضع به همین‌گونه است و بیمه‌گر به‌عنوان خواننده از حق دادرسی عادلانه برخوردار است. این اشکال همگی نشان‌دهنده حضور فعال و نفع مستقیم بیمه‌گر در جریان دادرسی است. در تمامی این موارد، بیمه‌گر یکی از اصحاب دعوا تلقی می‌شود و به‌طور کامل امکان استناد به ایرادات را داشته و می‌تواند دفاع ماهوی ارائه دهد؛ بنابراین، شناسایی وی به‌عنوان «دوست دادگاه» ممکن نیست؛ زیرا تمامی تعاریف ارائه‌شده از «دوست دادگاه»، حاکی از عدم طرفیت این نهاد در دادرسی و ثالث بودن آن است. جمع بین اصحاب دعوا و شخص ثالث در دادرسی ممکن نیست؛ به عبارت دیگر، یک شخص نمی‌تواند در یک دادرسی و به‌طور هم‌زمان در موضوعی واحد نقش ثالث و اصحاب دعوا ایفا کند و از حقوق هر دو به‌طور هم‌زمان برخوردار شود.

۲-۲. دخالت بیمه گر به عنوان ناظر دعوا

مدیریت ریسک در قرارداد بیمه بنا به ماهیت معوض و مستمر چنین قراردادی، بسیار حائز اهمیت است (امینی و حاذقی اقدم، ۱۴۰۰: ۱). با فراهم آمدن زمینه شناسایی مسئولیت بیمه گر در دعوای حقوقی و کیفری^۱، اهمیت ایفای نقش فعال بیمه گر برای کنترل دعوا در هر دو نوع دادرسی آشکار است. علاوه بر این، فایده اجتماعی دخالت بیمه گر در دعاوی، جدیت حضور وی در جریان دادرسی را توجیه می کند^۲. گاهی بیمه گر، نقض منافع شخصی خود را به حدی می بیند که دخالت به عنوان ثالث ضروری می نماید، لیکن در برخی موارد، ارائه اظهارات و تذکر مرهون مداخله مستقیم و جدال با طرف دعوا نیست. حضور بیمه گر در تمامی دعاوی بیمه به معنای عام، عملاً ممکن نیست؛ زیرا از یک سو آگاهی از تعداد این دعاوی برای بیمه گر غیرممکن است و از سوی دیگر، مداخله به عنوان اصحاب دعوا هزینه دادرسی گزافی بر بیمه گر تحمیل می کند. علاوه بر آن، منابع مالی و انسانی بیمه گر برای اختصاص فرصت به پاسخگویی تمام ادعاهای دعاوی خسارت کافی نیست و دخالت بی پروا در تمام دعاوی، تمرکز بیمه گر را در شناسایی دعاوی واقعی از دعاوی واهی کاهش می دهد. به همین جهت ماده ۵۰ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ محاکم قضایی را مکلف به اطلاع رسانی بیمه گر از دعوا کرده است و برای بیمه گر، حق آگاهی از دعوا قائل شده است تا بدون طی تشریفات برای ورود به دعوا، کنترل و مدیریت دعوا را به دست آورند. در عمل نیز شرکت های بیمه با استفاده از ظرفیت کارشناسان فنی و نمایندگان حقوقی خود، ظاهر دعوا را بررسی کرده و در صورت رفع ابهامات موجود در فرآیند دادرسی و فقدان ظاهر فریبنده، به هر دعوایی ورود نمی کنند.

۱. برای مطالعه بیشتر در رابطه با امکان شناسایی مسئولیت بیمه گر در فرآیند کیفری ر. ک به (افکار و همکاران، ۱۳۹۹ الف).

۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص فواید اجتماعی حضور بیمه گر در دادرسی ر. ک (افکار و همکاران، ۱۳۹۹ ب).

لازم به توضیح است که اگرچه ماده ۵۰ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵، بیانگر حقی قانونی برای بیمه‌گر در عرصه حوادث ترافیکی است، لیکن توجه به فلسفه وضع این ماده نشان می‌دهد که در اطلاع جریان دادرسی به بیمه‌گر، تفاوتی بین حوادث مربوط به تصادفات رانندگی و سایر حوادث نیست. درصد بالای حوادث ترافیکی و الزامی بودن پوشش بیمه‌ای در این حوادث، سیل عظیمی از دعاوی را در این حوزه رقم می‌زد که مقنن را بر این داشته تا به‌طور خاص و فوری حق ویژه‌ای برای بیمه‌گر در این حوزه پدید آورد؛ اما اطلاع جریان دادرسی به بیمه‌گر نفع اجتماعی به دنبال دارد که در این مصلحت تفاوتی بین حوادث مربوط به تصادفات رانندگی و سایر حوادث نیست و با توجه به ماهیت مشابه حوادث غیرعمدی و وحدت مبنای لزوم کنترل دعوا، در سایر حوادث نیز باید امکان کنترل دعوا توسط بیمه‌گر میسر شود (افکار، ۱۴۰۰: ۱۰۱). در حال حاضر، اگرچه رویه قضایی حضور بیمه‌گر در فرآیند دعوای خارج از حوزه حوادث رانندگی را به جهت فقدان نص قانونی به‌راحتی نمی‌پذیرد؛ لیکن به نظر می‌رسد که تصریح مقنن در تسری حکم به سایر حوزه‌ها مقاومت رویه قضایی را خواهد شکست و شرایط دخالت بیمه‌گر تسهیل می‌شود.^۱

۱. در رویه قضایی، موارد اندکی دیده می‌شود که در حوادث غیر ترافیکی نیز موضوع پرونده به بیمه‌گر برای مدیریت دعوا اطلاع داده می‌شود. به‌عنوان نمونه، در مکاتبه قضایی شماره ۱۳۹۷۰۲۵۰۰۱۷۲۷۲۲۷ در پرونده شماره ۹۷۰۹۹۸۵۱۲۷۷۰۰۶۷۴ شعبه ۶۰۸ بازپرسی مشهد موضوع اطلاع‌رسانی به شرکت بیمه مرکزی ایران در قالبی مشابه ماده ۵۰ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ رعایت شده است: «ضمن اعلام مراتب طرح شکایت آقای... علیه... دایر به عدم رعایت نظامات و مقررات ایمنی منجر به صدمه بدنی حین کار که بیمه‌نامه آن شرکت به منظور تدارک خسارت به دادسرا ارائه شده، مقرر است مراتب اصالت بیمه‌نامه شماره... را اعلام کنید و در صورت وجود جهات خاص مبنی بر عدم مسئولیت، نماینده حقوقی آن شرکت به همراه مدارک مثبت سمت ظرف ۵ روز در این بازپرسی حاضر شوند».

همچنین در پرونده شماره ۹۷۰۹۹۸۵۱۲۷۷۰۰۵۵۹ شعبه ۱۱۱ دادگاه کیفری دو مشهد، وقت رسیدگی پرونده با موضوع صدمه مربوط به حادثه حین کار علاوه بر طرفین پرونده به شرکت بیمه البرز به‌موجب ابلاغیه شماره ۹۷۱۰۱۰۷۵۹۱۱۰۶۹۴۷ مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۳ نیز اطلاع‌رسانی شده است.

بر اساس ماده ۵۰ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵: «کلیه مراجع قانونی رسیدگی به دعاوی مرتبط با حوادث رانندگی از قبیل دادسرا و دادگاه‌های رسیدگی کننده به دعاوی ناشی از حوادث موضوع این قانون مکلف‌اند صندوق یا شرکت بیمه مربوط را در مواردی که صندوق یا شرکت بیمه، طرف دعوی نباشند از طرح دعوی علیه مسبب حادثه مطلع کرده، زمان تشکیل جلسات دادگاه را رسماً به آنان اطلاع دهند...». بنا به نظر بسیاری از حقوقدانان، حق مذکور در ماده ۵۰ قانون بیمه، فراتر از آگاهی از اصل دعوا است و به بیمه‌گر این امکان را می‌دهد تا علاوه بر اطلاع از اصل دعوا، امتیاز آگاهی از زمان جلسات دادرسی، مطالعه اوراق پرونده و ارائه مستندات را به دست آورد یا نظریات کارشناسی را ملاحظه و نکات ضروری در خصوص آن را ارائه دهد^۱ (افکار و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۷۳).

نکته حائر اهمیت دیگر در مداخله کنترل‌کننده بیمه‌گر، قابلیت شناسایی رأی نسبت به وی است. اگر بیمه‌گر طبق مقررات آیین دادرسی مدنی وارد جریان دعوا شود، یکی از اصحاب دعوا تلقی شده و تمامی حقوق اصحاب دعوا، از جمله حق اعتراض به رأی در قالب تجدیدنظرخواهی را دارا خواهد بود. در این صورت، رأی صادره در دادرسی نسبت به وی قابل استناد و اجرا است؛ اما اگر بیمه‌گر رسماً به عنوان اصحاب دعوا به دادرسی ورود نکند و صرفاً از آن مطلع شود، هنوز نسبت به دادرسی بیگانه محسوب می‌شود و رأی صادره نسبت به وی الزام‌آور نیست (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۴۳۴). البته بیمه‌گری که رأی صادره را مخالف حقوق خود بداند، حق اعتراض ثالث دارد و

۱. در بخش‌هایی از نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۱۲۴۰ مورخ ۱۳۹۸/۸/۲۵ اداره حقوقی قوه قضائیه آمده است: «... ثانیاً، با توجه به فلسفه وضع ماده ۵۰ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰ و لحاظ اینکه صرف اطلاع از وقت رسیدگی و یا حتی صرف حضور نماینده شرکت بیمه در جلسات دادرسی، اهداف قانون‌گذار از وضع این مقرره را تأمین نمی‌کند و هرگونه اقدام حقوقی و یا اظهارنظر از طرف شرکت‌های یاد شده در ارتباط با پرونده مستلزم اطلاع از مستندات و مندرجات موجود در پرونده است، لذا منعی برای پذیرش درخواست این شرکت‌ها برای تهیه تصویر از اوراق پرونده وجود ندارد...».

می‌تواند اعتراض خود را در قالب دادخواست و با پرداخت هزینه دادرسی طرح کند (موحدیان، ۱۴۰۲: ۲۰۸ و ۲۰۹). هرچند تردید در خصوص امکان اعتراض ثالث از سوی بیمه‌گری که از جریان دادرسی مطلع بوده و کنترل مؤثری نیز اعمال کرده، غیرمنطقی نیست؛ لیکن با توجه به تصریح ماده ۵۰ قانون بیمه اجباری به این نوع ضمانت اجرا و عدم رعایت کامل اصل تناظر، عدم طرفیت بیمه‌گر در دعوا مانع از آن است که حکم صادره علیه وی قابلیت اجرا داشته باشد و امکان الزام مستقیم بیمه‌گر به اجرای تعهدات قراردادی نیست (کاتوزیان و ایزانلو، ۱۳۹۷: ۴۰۴؛ عابدی و نادى، ۱۳۹۹: ۱۸۷؛ خدابخشی، ۱۳۹۶: ۵۶۳).

بدین ترتیب، مداخله بیمه‌گر در دادرسی همواره مستلزم طرح دادخواست و ورود رسمی به‌عنوان اصحاب دعوا نیست. چنانچه بیمه‌گر مدعی حقی مستقل باشد و بخواهد از نتیجه دادرسی به‌طور مستقیم بهره‌برداری کند، ناگزیر است به‌عنوان طرف رسمی وارد دعوا شده و از تمامی حقوق و اختیارات اصحاب دعوا، ازجمله حق ایراد، دفاع ماهوی و تجدیدنظرخواهی برخوردار می‌شود. در این وضعیت بیمه‌گر ذی‌نفع بالفعل است و انتظار بی‌طرفی از او معقول نیست. در مقابل، اگر هدف بیمه‌گر از حضور در فرآیند رسیدگی صرفاً یاری به دادگاه در کشف حقیقت و رفع ابهامات باشد تا نهایتاً موارد و میزان مسئولیت وی کاهش یابد، می‌تواند بدون طرح دعوای مستقل و بدون احراز وصف طرفیت، از ظرفیت ماده ۵۰ قانون بیمه اجباری بهره‌مند شده و به‌عنوان ناظر بر جریان دادرسی عمل کند. در این مقام، بیمه‌گر ضمن آگاهی از روند رسیدگی و دسترسی به برخی اوراق پرونده، مجاز است ایرادات و نکات فنی مؤثر را به دادگاه اعلام کند، اما نمی‌تواند مانند اطراف دعوا انتظار پاسخ مستقل از دادگاه داشته باشد.

هرچند هدف نهایی بیمه‌گر در جایگاه اخیر نیز همچنان حمایت از منافع قراردادی و مالی خویش است، اما به دلیل محدودیت دخالت و فقدان طرفیت رسمی، آثار رأی مستقیماً بر او بار نمی‌شود و نقش او در حد «یاری‌رسان جانب‌دار» باقی می‌ماند. درواقع، بیمه‌گر نقشی میانه بین مطلع و اصحاب دعوا می‌یابد که اگرچه از اختیارات

کمتری نسبت به اصحاب دعوا برخوردار است، لیکن ترتیب اثر به اظهارنظر وی در چارچوب کشف حقیقت توسط دادرس ممکن است^۱. در این حالت، بیمه‌گر اجازه دخالت محدود، اما فراتر از حد آگاهی از جریان دادرسی را دارد که به وی، این امکان را می‌دهد تا نظریات و نکات ضروری پیرامون دعوا را بیان کند. توجه و ترتیب اثر به

۱. در بخش‌هایی دیگر از نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۱۲۴۰ مورخ ۱۳۹۸/۸/۲۵ اداره حقوقی قوه قضائیه آمده است: «...ثالثاً، هرچند شرکت‌های بیمه برای تقدیم لایحه و بیان نکات مرتبط با وجود یا فقدان بیمه‌نامه و یا هر موضوعی که ممکن است در اصل یا میزان تعهدات این شرکت‌ها مؤثر باشد با منعی مواجه نیستند، ولی از آنجایی که این شرکت‌ها در پرونده‌های کیفری طرف دعوا تلقی نمی‌شوند، مطالب مطرح شده از سوی آن‌ها عنوان «دفاع» ندارد، بلکه از باب «اظهارات مطلع» صرفاً برای کشف حقیقت و روشن‌تر شدن موضوع قابلیت ترتیب اثر دارد.

رابعاً، با توجه به مراتب فوق، لزوم ابلاغ نظریه کارشناسی به شرکت بیمه و صندوق از سوی دادسرا و یا دادگاه و به تبع آن امکان اعتراض به آن متفی است و همان‌گونه که در بند ثالثاً ذکر شد، حسب مورد دادگاه یا دادسرا در ارزیابی نظر کارشناسی و تطبیق آن با اوضاع و احوال قضیه نکات مطرح شده از سوی شرکت بیمه و یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی را مورد توجه قرار می‌دهد.

همچنین، نمونه توجه بازپرسی به نظر نماینده بیمه در ضمن پرونده کیفری به میزانی که مؤثر در ماهیت پرونده بوده و موجب اطاله دادرسی نمی‌شود، در پرونده شماره ۹۹۰۹۹۸۵۱۲۷۷۰۰۰۸ شعبه ۶۰۸ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، در ضمن تصمیم نهایی شماره ۹۹۰۹۹۷۵۱۲۷۷۰۰۳۲۴ مورخ ۱۳۹۹/۴/۲ قابل ملاحظه است. به موجب این تصمیم: «...بازپرسی با در نظر گرفتن لوایح ارسال شده توسط نماینده محترم بیمه کوثر و ترتیب اثر دادن به جهات تحقیق خواسته شده در خصوص بررسی هویت راننده مقصر به جهت جلوگیری از تبانی برای اخذ خسارت از بیمه، اقدامات تحقیقی متعارف را به عمل آورده و از بین افراد خواسته شده توسط نماینده شرکت بیمه که احتمال جایگزینی آن‌ها با راننده مقصر پرونده متصور بوده، مشخص شده که دو نفر از افراد اعلامی دارای گواهینامه بوده و جایگزین کردن آن‌ها تغییری در تعهدات شرکت بیمه ایجاد نمی‌کند و در خصوص نفر سوم نیز با توجه به عدم آنتن دهی خط تلفن ایشان در محل وقوع جرم در زمان حادثه، دلیلی بر جایگزینی با متهم نیست و شرکت بیمه نیز دلیلی در این جهت ارائه نکرده ...».

در قسمت دیگری از این پرونده، بازپرسی در خصوص درخواست نماینده شرکت بیمه کوثر مبنی بر ارجاع مباحثه‌نامه خودرو به کارشناس خط و امضا جهت تعیین تاریخ واقعی نگارش مباحثه‌نامه، طی دستور مورخ ۱۳۹۹/۳/۲۵ اعلام داشته: «نظر به اینکه اصالت بیمه‌نامه از طریق سیستم قابل استعلام است و موضوع خواسته شده نیز تأثیری در ماهیت پرونده ندارد، درخواست مزبور اقدامی ندارد.» به نقل از (Afkar, 2021: 162).

چنین نظریاتی، مستلزم عبور از فیلتر وجدانی دادرس و مؤثر واقع شدن در وی است. درست است که هدف بیمه‌گر در نهایت حمایت از منافع خویش است، اما همین مقدار از یاری رساندن که در بعد فنی و حقوقی تجلی می‌یابد، برای کشف حقیقت و بقای بنیاد اجتماعی بیمه مفید است. حال با توجه به چنین نقش نظارتی بیمه‌گر، تلقی وی به‌عنوان «دوست دادگاه» قابل تأمل است. بدین منظور، ابتدا قابلیت شناسایی بیمه‌گر به‌عنوان «دوست دادگاه» در مفهوم سنتی آن بررسی می‌شود. سپس، در صورتی که تطابق با مفهوم سنتی امکان‌پذیر نباشد، امکان پذیرش بیمه‌گر به‌عنوان نهاد «دوست دادگاه» در مفهوم نوین مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۲-۲-۱. پذیرش بیمه‌گر به‌عنوان دوست سنتی دادگاه

یکی از کارکردهای اصلی دوستان دادگاه، علاوه بر یاری رساندن به دادگاه در قضایای پیچیده و تخصصی، کاهش حجم کار مراجع قضایی و جلوگیری از صدور آرای متناقض است (میر عباسی و محمدی، ۱۳۹۵: ۷۵۶؛ بهری خیای و پاک‌نژاد، ۱۳۹۹: ۱۱۸). مهم‌ترین دلیل پذیرش بیمه‌گر به‌عنوان آمیکوس کوریا نیز به فلسفه حضور وی در دادرسی و نقش کنترلی او در دعاوی بازمی‌گردد. کاستن از آمار دعاوی دستگاه قضایی، کشف موارد تقلب و شناسایی دعاوی واهی، از منظر منافع عمومی، ضرورت حضور بیمه‌گر در دادرسی را توجیه می‌کند. این هدف در نخستین مورد گزارش شده از رویه آمیکوس کوریا در سال ۱۷۳۶ میلادی نیز مورد توجه دادگاه قرار گرفته بود. در پرونده *Coxe v. Phillips* دادگاه صرفاً به منظور محافظت از منافع شخص ثالث، به آمیکوس کوریا اجازه مداخله داد تا درباره ماهیت تبانی در دعاوی میان طرفین اطلاع‌رسانی کند (Lowman, 1992: 1249). آمار بالای تقلب و تبانی در دعاوی بیمه و عدم احاطه مراجع قضایی به تمام جوانب حکمی و موضوعی، به خوبی مبین ضرورت ایفای نقش شخص ثالث به‌عنوان «دوست دادگاه» است. در بسیاری از کشورها، این نقش توسط انجمن‌های بیمه‌ای یا بخش‌های مختلف پرداخت غرامت شرکت‌های بیمه

ایفا می‌شود (Hirczy de Mino, 2020: 8)؛ لیکن در نظام حقوقی ایران، نماینده بیمه‌گر در بستر ماده ۵۰ قانون بیمه اجباری مصوب می‌۱۳۹۵ می‌تواند به ایفای این نقش پردازد. هرچند طرفیت رسمی بیمه‌گر در دعوا موجب انتقای نقش دوستی با دادگاه می‌شود، لیکن دخالت بیمه‌گر بر اساس ماده ۵۰ قانون بیمه اجباری به‌عنوان ناظر دعوا، مفهومی متفاوت از طرفیت رسمی در دعوا دارد (افکار و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۹۶) و به عقیده برخی این حد از دخالت با نظارت مقام رسمی ممنوعیتی ندارد و حتی به پیشبرد جریان دادرسی نیز کمک می‌کند (خدابخشی، ۱۳۹۲: ۱۹۷).

همچنین اگرچه حدود کنترل دعوا توسط بیمه‌گر در ماده ۵۰ قانون بیمه اجباری به صراحت مشخص نشده است، اما همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، نتیجه منطقی این ماده ایجاب می‌کند که بیمه‌گر بتواند در ضمن دادرسی از حق مطالعه و حضور برخوردار باشد و نظریات خود را شفاهاً یا کتباً ارائه دهد و حتی به نظر کارشناسی اعتراض کند (افکار و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۲). وجود چنین سطحی از دخالت ممکن است این تصور را ایجاد کند که بیمه‌گر دیگر نمی‌تواند به‌عنوان دوست کلاسیک دادگاه شناخته شود، زیرا حضور آمیکوس کوریا در شکل کلاسیک خود معمولاً نادر بوده و به ارائه گزارش کتبی (آمیکوس بریف) محدود می‌شود. با این حال، کتبی بودن گزارش‌ها بخش ضروری از ماهیت این مداخله نیست و امکان حضور «دوست دادگاه» در دادرسی و ارائه اظهارات شفاهی نیز متصور بود (Clark, 2016: 336). در حقیقت، مداخله «دوست دادگاه» با هدف آموزش، اخطار و اطلاع‌رسانی دادگاه است تا در مواردی که ادعاهای مشکوک مطرح شده یا قاضی در تشخیص امر قانونی دچار اشتباه شود، به‌عنوان نظاره‌گر به دادگاه یاری رساند. اگرچه معمولاً دخالت آمیکوس کوریا در روند رسیدگی به ارائه گزارش‌های کتبی محدود می‌شود، اما در صورت اقتضا ممکن است، وارد جدال لفظی و مباحثات شفاهی نیز شود (Farber, 2019: 49).

نکته دیگری که تطابق این دو نهاد را با ابهام مواجه می‌سازد، شروع مداخله و موضوع پرداخت هزینه اقدامات است. می‌توان ایراد کرد که حضور آمیکوس کوریا در

شکل اولیه، منوط به خواست دادگاه بوده و این نهاد حق ورود ابتدایی به دادرسی را نداشته است. در مقابل، حضور بیمه‌گر در دعوا ضرورتی قانونی دارد و منوط به خواست دادگاه نیست. به عبارت دیگر، برخلاف آمیکوس کلاسیک که نظارت بر دعوا را صرفاً به واسطه دعوت دادگاه کسب می‌کند، نظارت و کنترل بر دعوا برای بیمه‌گر یک حق قانونی است. در پاسخ به این ایراد می‌توان گفت که اگرچه حضور آمیکوس کلاسیک غالباً بر اساس درخواست دادگاه بوده است، لیکن در برخی موارد، خود این نهاد از دادگاه تقاضای حضور و ارائه نظر می‌کرده است (Konomi et al, 2023: 111). ایراد دیگر این است که مداخله آمیکوس کوریا در دادرسی مستلزم پرداخت هزینه دادرسی نیست، درحالی‌که ممکن است ادعا شود که حضور بیمه‌گر در دعوا نیازمند پرداخت هزینه است. به نظر می‌رسد این ایراد تنها زمانی مطرح است که بیمه‌گر به‌عنوان یکی از اصحاب دعوا وارد عمل شود، اما اگر نظارت بیمه‌گر بر دعوا در قالب اظهارنظر و با هدف کشف حقیقت و تحت نظارت دادگاه انجام گیرد، وی ملزم به پرداخت هزینه دادرسی نخواهد بود (افکار، ۱۴۰۰: ۹۹). از این منظر نیز میان این دو نهاد شباهت وجود دارد و همان‌طور که «دوست دادگاه» سهمی در پرداخت هزینه‌های دادرسی ندارد (Farber, 2019: 41)، بیمه‌گر کنترل‌کننده دعوا نیز از پرداخت هزینه معاف است.

با وجود این شباهت‌ها، انگیزه اصلی دخالت بیمه‌گر در دادرسی که همان کسب منافع شخصی است، تصور یکسان بودن این دو نهاد را از ذهن می‌زداید. آمیکوس کوریا در دادرسی با محدودیت‌هایی نظیر عدم بازجویی از طرفین و عدم دریافت خسارت مواجه است (عبیری، ۱۳۹۳: ۷۵؛ بهری خیاوی و پاک‌نژاد، ۱۳۹۹: ۱۲۰). در مقابل، حضور بیمه‌گر در دادرسی تنها به دلایل منافع عمومی محدود نشده و مصالح شخصی مانند مدیریت منابع مالی و کاهش دعاوی علیه خود، اولویت اصلی وی است. این سطح از ذی‌نفعی، قابلیت بیمه‌گر برای ایفای نقش آمیکوس کوریا به‌عنوان یک نهاد بی‌طرف را زیر سؤال می‌برد و مهم‌ترین عامل در نفی خصیصه دوستی با دادگاه از

بیمه‌گر است. آمیکوس‌های اولیه با هدف ارائه اطلاعات تخصصی به دادگاه در کمال بی‌طرفی پایه‌ریزی شده‌اند و مداخله اشخاص ذی‌نفع در دادرسی منوط به رعایت قواعد عمومی ورود شخص ثالث است؛ درحالی‌که بیمه‌گر در دادرسی عمدتاً به دنبال تحقق منافع شخصی است و ارائه نظریه بی‌طرفانه از سوی وی دشوار است. از این‌رو، گنجاندن بیمه‌گر در کالبد آمیکوس کوریای کلاسیک و مفهوم مضیق آن به‌راحتی قابل توجیه نیست.

۲-۲-۲. پذیرش بیمه‌گر به‌عنوان دوست نوین

جهات حقوقی و مبانی اقتصادی متعددی در توسعه و تکامل نهاد «دوست دادگاه» در نظام‌های حقوقی نقش داشته است. یکی از مزایای اصلی آمیکوس در مقایسه با سایر رویه‌های قانونی، استفاده بهینه از حداقل منابع اقتصادی است. هزینه‌های پیوستن آمیکوس به دعوا معمولاً پایین بوده و مطالعات نشان داده است که گروه‌های ذینفع، به‌ویژه سازمان‌های غیردولتی، به دلیل ریسک‌های اقتصادی پایین، تشویق می‌شوند تا نظرات خود را از طریق آمیکوس ارائه کنند (Farber, 2019: 41). ایراد اصلی به شناسایی بیمه‌گر یا نماینده وی به‌عنوان آمیکوس کوریا این است که منفعت اصلی کنترل دعوا، عمدتاً متوجه خود بیمه‌گر می‌شود. این امر با فلسفه حضور آمیکوس کوریا که باید به منظور منافع اجتماعی در دعوا مداخله کند، در تعارض است. به‌عبارت دیگر، بیمه‌گر زمانی می‌تواند به‌عنوان «دوست دادگاه» تلقی شود که هدف از مداخله وی صرفاً تأمین منافع عمومی باشد، اما حضور او غالباً جنبه انتفاعی داشته و از این منظر شبیه یکی از اصحاب دعوا به نظر می‌رسد.

در پاسخ به این ایراد می‌توان گفت که در مفهوم نوین، «دوست دادگاه» صرفاً کمک‌کننده به قاضی دادگاه نیست؛ بلکه گاهی ممکن است حامی یکی از طرفین دعوا باشد یا در نتیجه نهایی دعوا سهمی داشته باشد (Clark, 2016: 361; Anderson, 2015: 374). با شناسایی مفهوم موسع نهاد «دوست دادگاه»، تطبیق نقش بیمه‌گر با این

نهاد تسهیل می‌شود. به عبارت دیگر، نقش کنترل‌کننده بیمه‌گر در دادرسی از دو جنبه قابل بررسی است. از یک‌سو، این مداخله به کشف حقیقت و پیشگیری از اشتباهات قضایی کمک می‌کند تا حیل‌های طرفین در ایجاد مسئولیت صوری با استفاده از ابزارهای بیمه‌گر یا تخصص وی ناکام بماند. از سوی دیگر، بیمه‌گر از نتایج این دادرسی نیز منتفع می‌شود، زیرا چنین نظارتی به مدیریت بهتر منابع مالی و کاهش دعاوی علیه وی کمک می‌کند.

نکته قابل تأمل دیگری که تطبیق نهاد بیمه‌گر با مفهوم آمیکوس کوریا را دشوار می‌سازد، امکان ورود بیمه‌گر به دعوا در عین کنترل آن است. بر اساس ماده ۵۰ قانون بیمه اجباری، بیمه‌گر امکان ورود به دعوا و اعتراض به رأی دارد. اگر بیمه‌گر مدعی حق مستقل در دادرسی باشد، موظف است برای طرح ادعا یا اعتراض وارد دعوا شده و دادخواست خود را ثبت کند. در این صورت، نمی‌تواند حق خود را صرفاً از طریق نظارت اعمال کند (افکار، ۱۴۰۰: ۹۹)؛ بنابراین بیمه‌گر می‌تواند تغییر نقش داده و از ناظر دعوا به اصحاب دعوا تبدیل شود؛ درحالی‌که جمع سمت اصحاب دعوا و ناظر دعوا از خصیصه‌های «دوست دادگاه» نیست. در پاسخ می‌توان گفت که نحوه ورود بیمه‌گر به دعوا و میزان مداخله وی در همه پرونده‌ها یکسان نیست. در برخی موارد، بیمه‌گر همانند شخص ثالث باید برای ورود به دعوا کلیه قواعد و تشریفات دادرسی را رعایت کند و به‌عنوان اصحاب دعوا وارد شود، اما گاهی نیز کنترل دعوا کافی است و صرف وقت و هزینه برای تمام پرونده‌ها ضروری نیست. با این حال، ایفای دو نقش هم‌زمان توسط بیمه‌گر ممکن نیست. تا زمانی که بیمه‌گر در نقش کنترل‌کننده دعوا فعالیت می‌کند، مداخله وی محدود به نظارت تحت نظر مقام قضایی خواهد بود؛ اما زمانی که به دنبال نفع مستقیم و مستقل خود در دعوا است، باید از این پوشش خارج شده و به‌طور رسمی وارد دعوا شود. در این حالت، بیمه‌گر نقش دوستانه خود را از دست داده و به‌عنوان یکی از طرفین دعوا امکان اعتراض به تصمیم صادره و استفاده از تمامی حقوق مربوط به اصحاب دعوا را خواهد داشت؛ بنابراین تا زمانی که بیمه‌گر در

نقش کنترل و نظارت بر دعوا باقی بماند، حدود اختیارات وی مشابه نهاد آمیکوس کوریا خواهد بود، اما با تغییر رویکرد و ورود رسمی به دادرسی، ادامه ایفای نقش «دوست دادگاه» برای وی غیرممکن خواهد بود.

فرجام سخن

با بررسی ابعاد مختلف حضور بیمه‌گر در دادرسی، این پژوهش نشان داد که تطبیق نهاد بیمه‌گر با مفهوم «دوست دادگاه» یا «آمیکوس کوریا»، به‌ویژه در معنای سستی آن، با چالش‌های متعددی مواجه است. ازجمله این چالش‌ها، می‌توان به نقش دوگانه بیمه‌گر به‌عنوان کنترل‌کننده و طرف مستقل دعوا، انگیزه‌های انتفاعی وی در مداخله و همچنین گستره اختیارات بیمه‌گر در فرآیند دادرسی اشاره کرد. در مفهوم کلاسیک، آمیکوس کوریا نهادی بی‌طرف است که با هدف یاری رساندن به دادگاه در کشف حقیقت و اتخاذ تصمیم صحیح، نظرات تخصصی خود را ارائه می‌دهد. این در حالی است که بیمه‌گر در بسیاری از موارد، به دلیل منافع مالی و مدیریتی خود، نمی‌تواند بی‌طرفی لازم برای ایفای این نقش را تضمین کند. با این وجود، تطبیق این نهاد در قالب‌های نوین‌تر، به‌ویژه در مواردی که مداخله بیمه‌گر به حفظ عدالت و کاهش دعاوی قضایی کمک می‌کند، قابل توجیه است.

تحلیل‌ها نشان می‌دهد که با تعریف موسع‌تری از نهاد آمیکوس کوریا، تطابق نسبی بیمه‌گر با این مفهوم در چارچوب ماده ۵۰ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ قابل تصور است. نقش نظارتی بیمه‌گر در چارچوب این ماده، می‌تواند به کشف تقلب، جلوگیری از دعاوی واهی و کاهش صدور آرای نادرست کمک کند. ماده ۵۰ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ به‌عنوان یک تأسیس خاص، امکان مداخله محدود و در قالب اختیارات قاضی را برای بیمه‌گر شناسایی کرده است. این نقش، هرچند با انگیزه انتفاعی همراه است، اما از منظر منافع اجتماعی نیز آثار مثبتی ازجمله حمایت از کارآمدی سیستم قضایی و کاهش هزینه‌های عمومی به همراه دارد؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که تا

زمانی که بیمه‌گر در چارچوب نظارت و کنترل بر دادرسی فعالیت می‌کند و از ورود مستقیم به دعوا و پیگیری منافع مستقل خود اجتناب می‌کند، می‌تواند شباهت‌هایی با نهاد آمیکوس کوریا داشته باشد؛ اما با ورود به دعوا به‌عنوان طرف مستقل، این نقش منتفی شده و بیمه‌گر به‌عنوان یکی از اصحاب رسمی دادرسی در چارچوب قواعد حقوقی، ایفای نقش خواهد کرد. این نتیجه‌گیری تأکید دارد که برای ارتقای کارآمدی این نهاد، تبیین دقیق حدود اختیارات بیمه‌گر و نحوه مداخله وی در دادرسی ضروری است. نتیجه این پژوهش می‌تواند موجبی برای بازنگری در قوانین و رویه‌های قضایی ایران باشد تا از ظرفیت بیمه‌گر در کنترل دعاوی در پوشش «دوست دادگاه» به نحو مؤثرتری بهره‌برداری شود.

منابع

- ابهری، حمید؛ فلاح خاریکی، مهدی (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی مفهوم و کارکرد دوست دادگاه در حقوق ایران و کامن‌لا، تحقیقات حقوقی، ۲۱ (۸۳)، ۲۸۶ - ۳۰۷.
- افتخار جهرمی، گودرز؛ دنکوب، ابوالفضل (۱۳۹۱). نقش اصحاب دعوا در امور موضوعی، تحقیقات حقوقی، ۱۵ (۸)، ۹ - ۴۰.
- افکار حمید؛ معبودی، رضا (۱۴۰۲). مسئولیت ناشی از قصور و تقصیر بیمه‌گر در صدور بیمه‌نامه در قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵، مطالعات حقوقی، ۱۵ (۵۰)، ۱۶۹ - ۱۹۸.
- افکار، حمید؛ خدابخشی، عبدالله (۱۴۰۱). مبانی عدم پذیرش نهاد مرور زمان دعوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گر در قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵، پژوهشنامه بیمه، ۱۱ (۴)، ۵۳۹ - ۵۵۰.
- افکار، حمید؛ خدابخشی، عبدالله؛ سید زاده ثانی، سید مهدی (۱۳۹۹الف). شناسایی مسئولیت بیمه‌گر در فرآیند کیفری، پژوهشنامه بیمه، ۳۵ (۱۳۷)، ۲۱۶ - ۲۴۲.
- افکار، حمید؛ خدابخشی، عبدالله؛ عابدی، محمد (۱۳۹۹ب). فلسفه و حدود دخالت بیمه‌گر در دادرسی با رویکردی به ماده ۵۰ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵، دانش حقوق مدنی، ۹ (۱۸)، ۱۶۳ - ۱۷۳.
- افکار، حمید (۱۴۰۰). بررسی استقلال و ارتباط دعاوی مدنی و جزایی جبران خسارت در نظام بیمه‌ای، رساله دکتری دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد.

امینی، منصور؛ حاذقی اقدم، محمدرضا (۱۴۰۰). تعهد بیمه‌گذار مبنی بر مطلع ساختن بیمه‌گر در فرض افزایش ریسک: مطالعه تطبیقی حقوق بیمه ایران، چین و اصول قراردادهای بیمه اروپا، مطالعات حقوقی، ۱۳ (۳۹)، ۱-۲۸.

بهری خیروی، بهمن؛ پاک‌نژاد، علیرضا (۱۳۹۹). نقش سازمان‌های غیردولتی در قالب دوست دادگاه نزد مراجع قضایی بین‌المللی، پژوهش ملل، ۶ (۵۳)، ۱۱۵-۱۲۸.

خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۶). حقوق بیمه و مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۲). تمایز بنیادین حقوق مدنی و حقوق کیفری، شهر دانش تهران.

رضائی قوام‌آبادی، محمدحسین؛ حاجی ملا، هیوا (۱۳۹۶). مداخله سازمان‌های غیردولتی به‌منزله «دوست دادگاه» در دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهایا، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۷ (۴۷): ۹۱۹-۹۳۶.

رضائی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۸۷). صور سازمان‌های غیردولتی در پیشگاه مراجع قضایی بین‌المللی، مطالعات حقوق خصوصی، ۳۸ (۲)، ۱۵۳-۱۷۲.

عابدی، محمد؛ نادی، محمدتقی (۱۳۹۹). مسئولیت مدنی و نظام جبران خسارت در حوادث رانندگی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

عبیری، ارمغان (۱۳۹۳). تأملی بر نقش سازمان‌های غیردولتی در دادرسی‌های بین‌المللی، تهران: میزان.

صفایی، حسین؛ رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۷). مسئولیت مدنی تطبیقی، تهران: شهر دانش.

صلاحی‌نژاد، نظر علی؛ آرمان مهر، بهروز (۱۳۹۴). نگاهی به تخلف و تقلب در صنعت بیمه، تهران: انتشارات ترمه.

طالب احمدی، حبیب؛ رحمانی، عبدالله (۱۳۹۶). بیمه مضاعف، مطالعات حقوقی، ۹ (۲۶)، ۱۷۷-۲۰۸.

کاتوزیان، ناصر؛ ایزانلو، محسن (۱۳۹۷). الزام‌های خارج قرارداد (مسئولیت مدنی)، جلد سوم، تهران: گنج دانش.

موحدیان، غلامرضا (۱۴۰۲). آیین دادرسی و اجرای احکام مدنی، تهران: فکر سازان.

میرعباسی، سیدباقر؛ محمدی، عقیل (۱۳۹۵). نقش و جایگاه سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی به‌عنوان «دوست دادگاه»، در نظام بین‌المللی حل و فصل اختلافات، مطالعات حقوق عمومی، ۴۶ (۴)، ۷۵۳-۷۶۹.

References

- Abedi, M, Nadi, M. (2020). *Civil liability and compensation system in traffic accidents*. Tehran: Enteshar Publication. [In Persian].
- Abhari, H; Fallah Khariki, M. (2018). Comparative Study about Concept and Functions of Friend of the Court in Iranian Law and Common Law. *Legal Research Quarterly*. 21(83): 286 – 307. [In Persian]. DOI:10.22034/jlr.2018.151468.1250.
- Abiri, A. (2014). *A reflection on the role of non-governmental organizations in international proceedings*. Tehran: Mizan. [In Persian].
- Afkar, H; Maboudi, R. (2023). Liability resulting from the insurer's negligence and fault in issuing an insurance policy in the Compulsory Insurance Law approved in 2016, *Journal of Legal Studies*, 15(50): 169 – 198. [In Persian].
- Afkar, H; Khodabakhshi, A. (2022). The basis of non-acceptance of the statute of limitations of the injured party's claim against the insurer in the compulsory insurance law approved in 2016. *Iranian Journal of Insurance Research*. 11(4): 539 – 550. [In Persian]. <https://doi.org/10.22056/ijir.2022.04.02>.
- Afkar, H; Khodabakhshi, A; Seidzadeh Sani, S, M. (2020). Identifying the liability of the insurer in the criminal process. *Iranian Journal of Insurance Research*. 9(1) 113 – 125. [In Persian]. <https://doi.org/10.22056/ijir.2020.01.08>.
- Afkar, H; Khodabakhshi, A; Abedi, M. (2021). Philosophy and Limits of the Insurer's Involvement in the Proceedings with an Approach to Article 50 of the Law "Compulsory Insurance of Damages to Third Parties Due to Accidents Caused by Vehicles" Approved in 1395. *Civil Law Knowledge*. 9(18): 163 – 177. [In Persian]. DOI:10.30473/clk.2022.56898.2931.
- Afkar, H. (2021). Analyzing the independence and relationship between civil and criminal compensation claims in the insurance system. PhD thesis. Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian]. <https://flp.um.ac.ir/index.php/fa/educational-groups/private-law-group/defended-theses3>.
- Amini, M; Hazeghi Aghdam, M. (2021). The Insured's Post-Contract Duty of Notification of Increase of Risk: Comparative study in Iranian, Chinese insurance law and principles of European insurance contracts, *Journal of Legal Research*, 13(39): 1-28. [In Persian].
- Anderson, H. (2015). Frenemies of the Court: The Many Faces of Amicus Curiae. *U.Rich.L.Rev*. 49: 361-374. <https://digitalcommons.law.uw.edu/faculty-articles/214>.
- Bahri Khiyavi, B; Paknezhad, A. (2020). The role of non-governmental organizations as "friends of the court" before international judicial

- authorities. *International Journal of Nations Research* 6(53): 115-128. [In Persian].
- Bartholomeusz, L. (2005). The Amicus Curiae before International Courts and Tribunals. *Non -State Actors & Intl L.* 5(9): 209 - 286. <https://doi.org/10.1163/157180705775435456>.
- Clark, D. S. (2016). Use of the “Amicus Curiae” Brief in American Judicial Procedure in Comparative Perspective. *Rabels Zeitschrift für ausländisches und internationales Privatrecht / The Rabel Journal of Comparative and International Private Law.* 80(2): 327–371.
- Collins, P, M. (2004). Friends of the Court: Examining the Influence of Amicus Curiae Participation in U.S. Supreme Court Litigation. *Law & Society Review.* 38(4):807-832. DOI:10.1111/j.0023-9216.2004.00067x.
- Mellinkoff, D. (1992). *Dictionary of American Legal Usage*. St. Paul, Minn.: West Publishing Co.
- Eftekhari Jahromi, G; Dankoob, A. (2012). The role of litigants in substantive matters. *Legal Research Quarterly.* 15(8): 9 – 40. [In Persian].
- Farber, S. (2019). The Amicus Curiae Phenomenon - Theory, Causes and Meanings. *Transnational Law & Contemporary Problems*. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3341963>.
- Beyer, G; Redden, K. (2001). *Modern Dictionary for the Legal Profession*, New York: Williams S. Hein Co.
- Hirczy de Mino, W. (2020). Who Files Amicus Curiae Briefs in the Texas Supreme Court? Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3545676> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3545676>.
- Indian Bar Association. (2023). *Comparative study of amicus curiae*. Available at <https://www.indianbarassociation.org/comparative-study-of-amicus-curiae/>.
- Katouzian, N; Izanloo, M. (2018). *Non-contractual obligations (civil liability)*. Volume Three. Tehran: Ganje Danesh. [In Persian].
- Khodabakhshi, A. (2017). *Insurance and civil liability law*. Tehran: Enteshar Publication. (in Persian).
- Khodabakhshi, A. (2013). *The fundamental distinction between civil law and criminal law*. Tehran: Shahre Danesh. [In Persian].
- Konomi, R; Gjipali, D; Perola, N. (2023). Effectiveness and legitimacy of Amicus Curiae submission before WTO judiciary organs. *Academicus International Scientific Journal.* 28: 110-120. <https://doi.org/10.7336/academicus.2023.28.06>.
- Larsen, A; Devins, N. (2016). The Amicus Machine. *Virginia Law Review*. Vol. 102, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2741853>.

- Larsen, A. O. (2014). The Trouble with Amicus Facts. *Virginia Law Review*. 100(8): 1757–1818.
- Lowman, M. (1992). The Litigating Amicus Curiae: When Does the Party Begin after the Friends Leave. *American University Law Review*. 41(4): 1243-1299.
- Merryman, J; Clark, D; Haley, J. (2010). *Comparative Law: Historical Development of the Civil Law Tradition in Europe, Latin America, and East Asia*. United States: Carolina Academic Press.
- Miller, C. E, Hino, M. Kuroda, K., Masui, K., & Takahashi, T. (2022, January 5). Amicus curiae practice is set to make its statutory debut in Japan. IPWatchdog. <https://ipwatchdog.com/2022/01/05/amicus-curiae-practice-set-make-statutory-debut-japan/id=142428>
- Mirabbasi, S, B; Mohammadi, A. (2016). The role and function of international Non-Governmental Organizations as a "Friend of the Court" in the international system of disputes settlement. *Public Law Studies Quarterly*. 46(4): 753 – 769. [In Persian]. <https://doi.org/10.22059/jpls.2016.60517>.
- Mirsane, M. (2022). The Roles of Amicus Curiae (Friend of the Court) in Judicial Systems with Emphasis on Canada and Alberta. *Alberta Law Review*. 59(3): 669- 700. <https://doi.org/10.29173/alr2690>.
- Mohan, C. (2010). The Amicus Curiae: Friends No More? *Singapore Journal of Legal Studies*, 2: 352 – 374.
- Movahedian, GH. (2023). *Civil Procedure and Enforcement*. Tehran: Fekrsazan. [In Persian].
- Ramazani Ghavamabadi. M; Hajimolla, H. (2018). Intervention of Non-governmental Organizations as a "Friend of the Court" in the International Tribunal of the Law of the Sea. *Public Law Studies Quarterly*. 47(4): 919- 936. [In Persian]. <https://doi.org/10.22059/jpls.2017.201441.1217>.
- Ramazani Ghavamabadi. M. (2009). The Presence of NGOs Before International Tribunals. *Private Law Studies Quarterly*. 38(2): 153 – 172. [In Persian]. DOI: 20.1001.1.25885618.1387.38.2.8.7.
- Safaei, H; Rahimi, H. (2018). *Comparative civil liability*. Tehran: Shahre danesh. [In Persian].
- Salahi Nezhad, N; Arman Mehr, B. (2015). *A look at fraud and abuse in the insurance industry*. Tehran: Termeh Publication. [In Persian].
- Talebahmadi, H; Rahmani, A. (2018). Double Insurance, *Journal of Legal Studies*, 9(26): 177 – 208. [In Persian].